

بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ پیامدها و واکنش‌ها در ایران

سید حسن شجاعی دیوکلائی،* امامعلی شعبانی**

چکیده

وقوع بحران اقتصادی ۱۹۲۹ با ورشکستگی صنایع جوامع سرمایه‌داری، اقتصاد وابسته‌ی کشورهای توسعه‌نیافته را که مواد اولیه‌ی صنایع این جوامع را تولید می‌کردند، دچار بحران و مشکلات مشابه نمود. در پی این مساله، جوامع توسعه‌نیافته واکنش‌های اقتصادی مشابهی از خود نشان دادند. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، اسناد و مدارک آرشیوی با طرح این پرسش که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ چه نتایجی در ایران برجای گذاشت و چه واکنش‌های اقتصادی برانگیخت؟ به بررسی پیامدهای بحران اقتصادی در ایران و واکنش‌های صورت گرفته به آن بپردازد.

دستاوردهای پژوهش مشخص می‌کند ایران همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته در پی بحران ۱۹۲۹ رفتار به نسبت مشابهی در نظام بازار جهانی سرمایه‌داری ایفا کرده است. دولت پهلوی در واکنش به بحران، اقداماتی نظیر تلاش برای افزایش کمی و کیفی صادرات، نظارت و مداخله در امور اقتصادی از طریق تاسیس نهادهای اقتصادی و وضع قوانین حقوقی و ایجاد صنایع در کشور و... انجام داده است که در این مقاله مورد واکاوی و تبیین قرار گرفته است. واژه‌های کلیدی: بحران اقتصادی ۱۹۲۹، جوامع توسعه‌نیافته، اقتصاد ایران، عصر پهلوی اول.

* دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه شهید بهشتی (Hassanshojaee@yahoo.com)

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک (Shabani.2009@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۲۹ - تاریخ تأیید: ۹۱/۰۸/۲۷

مقدمه

وقوع بحران‌های اقتصادی تحت تأثیر مناسبات حاکم بر بازار جهانی نظام سرمایه‌داری و گسترش سلطه‌ی آن، از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به امری متداول تبدیل شد. در ادامه‌ی همین روند، در قرن بیستم، بخصوص در سال‌های میانی دو جنگ جهانی، بحران اقتصادی متأثر از این مناسبات در ابعاد جهانی به دفعات بروز، و بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری است که اقتصاد تمامی جوامع اعم از صنعتی و توسعه‌نیافته را تحت تأثیر قرار داده، پیامدها و واکنش‌های خاص خود را در اقتصاد آنها به همراه آورد. ورشکستگی صنایع، تعطیلی کارخانه، افزایش نرخ بیکاری، کاهش مصرف و کاهش مبادلات بین‌المللی از جمله پیامدهای این بحران بود. در واکنش به این مشکلات، جوامع سرمایه‌داری به اقداماتی نظیر افزایش تعرفه‌های گمرکی و گرایش به خودبسندگی اقتصادی روی آوردند که نتیجه‌ی عمده‌ی آن کاهش و کندی مبادلات بین‌المللی و تسریع در روند ورشکستگی صنایع این جوامع بود.

در پی بروز چنین وضعیتی، بحران به اقتصاد جوامع توسعه‌نیافته که به اقتصاد سرمایه‌داری صنعتی وابسته بود، سرایت کرد. در نتیجه، درآمد کشورهای توسعه‌نیافته که بخش اعظم آن از طریق صدور مواد اولیه به بازار کشورهای مرکز حاصل می‌شد کاهش چشمگیری یافت، زیرا با ورشکستگی صنایع این کشورها که خریداران اصلی مواد اولیه بودند، تقاضا کاهش، و به تبع آن از قیمت مواد اولیه در بازار کاسته شد. از این‌رو، مشکلات اقتصادی دیگری برای جوامع توسعه‌نیافته به وجود آمد که مهم‌ترین آنها را مشکلات پولی - ارزی و کاهش واردات کالاهای ساخته‌شده‌ی مصرفی می‌توان برشمرد. پیامدهای ذکر شده به صورت نسبتاً مشابهی، اقتصاد تمامی جوامع توسعه‌نیافته و پیرامونی - به دلیل وابستگی اقتصادشان به کشورهای متروپل یا مرکز - از جمله ایران دوره رضاشاه را تحت تأثیر قرار داده و واکنش‌های تقریباً یکسانی را نیز به همراه آورد.

با توجه به چنین شرایطی این مقاله درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ چه پیامدهایی در ایران به همراه داشت و چه واکنش‌های اقتصادی برانگیخت؟ در پاسخ ضمن بررسی اجمالی واکنش‌های جوامع پیرامونی، نوع رفتار اقتصادی که در عرصه سیاست‌گذاری توسط حکومت پهلوی در ایران اتخاذ و تقویت شد مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف - پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و واکنش جوامع توسعه‌نیافته

بحران اقتصادی ۱۹۲۹ ورشکستگی صنایع و کارخانه‌ها را در جوامع صنعتی به همراه داشت. از این رو، موجب کاهش تقاضای خرید مواد اولیه در سطح جهان شد. در پی چنین وضعیتی، بحران به جوامع توسعه‌نیافته به عنوان تولیدکنندگان اصلی این مواد انتقال یافت.^۱ این بحران موجب شد تا برای اولین بار پس از انقلاب صنعتی، تولیدات صنعتی کشورهای مهم سرمایه‌داری به نحو چشم‌گیری کاسته شود. در حالی که جنگ جهانی اول تولیدات صنعتی را تنها ۲۰٪ در مقایسه با زمان پیش از جنگ کاهش داده بود؛ بحران سال ۱۹۲۹ تولیدات صنعتی را به میزان یک سوم تولیدات زمان پیش از جنگ رساند.^۲ این میزان تولید، علاوه بر بروز مشکلات متعدد اقتصادی در جوامع صنعتی، منجر به کاهش تقاضای کشورهای صنعتی برای خرید مواد اولیه در بازار جهانی شد. نخستین پیامد این وضعیت، کاهش چشم‌گیر قیمت این مواد در بازار جهانی بود. در حالی که قیمت مواد اولیه در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ در مقایسه با سال‌های قبل از جنگ جهانی اول یک سوم کاسته شده بود، در سال‌های اوج بحران یعنی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲، به ۶۰٪ کاهش نسبت به سال‌های پیش از جنگ بزرگ رسید.^۳ در نتیجه اقتصاد همه کشورهای تولیدکننده این مواد در سراسر جهان - تقریباً ۶۵٪ جمعیت کره زمین - تحت تأثیر پیامدهای منفی بحران قرار گرفت،^۴ و نخستین واکنش اقتصادی حکومت‌های پیرامونی، یافتن راه‌حل برای درآمدزایی و جبران این کاهش بود.

در این راستا دو روش در جوامع پیرامونی بکار گرفته شد:

روش اول: افزایش تولید و صدور مواد اولیه با هدف افزایش درآمد که بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، بخصوص کشورهای که محصولات کشاورزی تولید می‌کردند، این

۱. اریک هابزباوم، (۱۳۸۲)، عصر نهایت‌ها، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۴۱.

۳. فرانک تاپیتون و رابرت آلدریچ، (۱۳۷۵)، تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، ج ۱، ترجمه کریم پیرحیاتی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۹۷.

4. Lee, C.H. "the Effect of the Depression on Primary Producing countries" *Journal of Contemporary History*. Vol.4, No.4, Oct 1969. P.139

برای مطالعه بیشتر در خصوص کاهش صدور مواد اولیه کشورهای توسعه‌نیافته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین پس از بحران؛ نک: تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، صص ۳۰۰-۲۹۷، ۳۰؛ کارتر فیندلی، و جان. م.

رائتی، (۱۳۷۹)، جهان در قرن بیستم، ترجمه بهرام معلمی، تهران: ققنوس، صص ۱۶۳.

روش را برای افزایش درآمد حاصل از صدور مواد اولیه در پیش گرفتند.^۱ در نتیجه‌ی اجرای این روش، به‌رغم تنزل مستمر قیمت‌ها، که بخشی از این تنزل، ناشی از همین افزایش تولیدها بود، تولید و عرضه مواد اولیه در سطح بالا ادامه یافت.^۲ به همراه افزایش تولید، برخی از جوامع پیرامونی از جمله برزیل سیاست کاهش تولید و عرضه مواد اولیه را در پیش گرفتند. برزیل جهت جلوگیری از کاهش قیمت قهوه که مهم‌ترین محصول صادراتی این کشور محسوب می‌شد، مقدار زیادی از این محصول را از بین برد.^۳ در آسیای جنوب شرقی، نیز سیاست جلوگیری از کاهش قیمت مواد اولیه، با کاهش تولید و نه نابودی محصولات، به اجرا درآمد. کاهش تولید کائوچو، قلع و شکر در این منطقه در راستای همین سیاست بود.^۴

دوم، صنعتی‌سازی؛^۵ که یکی دیگر از روش‌های جوامع پیرامونی برای حل مشکلات ناشی از بحران‌های اقتصادی، به خصوص ۱۹۲۹ بود که در این پژوهش به این مورد پرداخته شده است. همان‌گونه که ذکر شد، این بحران، تأثیر مستقیم در کاهش درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه داشت. کاهش درآمد، جوامع توسعه‌نیافته را با کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته شده بخصوص کالاهای مصرفی مواجه کرد.^۶ در چنین شرایطی ایجاد صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی ضروری بود. بخش عمده‌ای از تلاش جوامع توسعه‌نیافته برای صنعتی‌سازی تحت تأثیر همین عامل و با استراتژی که از آن به عنوان «استراتژی جایگزین واردات» نام برده می‌شود، صورت می‌پذیرد. در چهارچوب این استراتژی صنایعی ایجاد می‌شود که کالاهای مصرفی تولید می‌کردند.^۷

جوامع توسعه‌نیافته در سال‌های متأثر از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به دلیل پائین آمدن قدرت خرید کالاهای مصرفی، تلاش‌هایی برای صنعتی‌سازی با چنین استراتژی انجام

1. Hans Raupach. "The Impact of the Great Depression on the Easter Europe" *Journal of Contemporary History*. Vol.4. No4. Oct 1969. P.89

۲. رابرت روزل پالم، (۱۳۸۴)، تاریخ جهان نو، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر، ص ۱۳۸۸.

۳. سی. آ. لیدز، (۱۳۶۳)، تاریخ نیمه نخست قرن بیستم، ترجمه همایون حنیفه‌وند، تهران: سرنا، ص ۲۷۷.

۴. تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، صص ۳۰۰ - ۲۹۹.

۵. لازم به ذکر است این سیاست با نوع اصلی آن که بیشتر در کشورهای صنعتی رخ داده بود، تمایز اساسی به خصوص از لحاظ ایجاد توسعه وابسته دارد، که تبیین آن در محدوده این پژوهش قرار ندارد.

۶. توماس لارسون و دیوید اسکیدمور، (۱۳۸۳)، اقتصاد سیاسی بین‌المللی تلاش برای کسب قدرت و

ثروت، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: قومس، ص ۲۲؛ موراوی. دی. برایش، (۱۳۵۴)، توسعه صنعتی، ترجمه غلام‌رضا کیانیپور، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۹.

۷. پل بروک، (۱۳۵۵)، جهان سوم در بن بست، ترجمه امیرحسین جهانگل. تهران: خوارزمی، ص ۱۹۵.

دادند. کشورهای آمریکای لاتین در انجام این کار پیشگام بودند. در نتیجه‌ی اجرای این سیاست، طی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷ شاخص تولیدات صنعتی در تولید ناخالص ملی کشورهای آمریکای لاتین به طور محسوسی افزایش یافت.^۱ علاوه بر کشورهای آمریکای لاتین، ترکیه نیز در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ دو برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی صنعتی‌سازی را به اجرا درآورد.^۲ در مجموع، بحران اقتصادی ۱۹۲۹ پیامدها و واکنش‌های به نسبت مشابهی در اقتصاد تمامی جوامع توسعه‌نیافته به همراه آورد. با توجه به چنین شرایطی این پرسش در ذهن متبادر می‌شود که بحران اقتصادی در ایران نیز، به عنوان کشوری توسعه‌نیافته چه پیامدهای مشابهی بوجود آورده و واکنش‌های ایران چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، در ادامه‌ی مقاله پیامدهای بحران و اقدامات ایران بررسی و تبیین شده است.

ب - پیامدهای بحران اقتصادی در ایران

تأثیرات بحران ۱۹۲۹ در ایران از اواخر سال ۱۳۰۸ به تدریج در اقتصاد کشور نمودار، و از سال ۱۳۰۹ در گزارش‌های رسمی دولتی^۳ و روزنامه‌ها^۴ قابل مشاهده و بررسی است، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱. کاهش میزان صادرات کالا و مواد اولیه

نخستین پیامد بحران بر اقتصاد ایران - همانند جوامع هم‌سنخ خود - کاهش میزان صدور کالا، بخصوص صنایع دستی و مواد اولیه اعم از محصولات کشاورزی و معدنی بود. این کاهش، در مرحله نخست، ناشی از سیاست‌هایی بود که کشورهای صنعتی در واکنش به بحران، به اجرا درآورده بودند. کاهش تولیدات صنعتی و هم‌چنین افزایش تعرفه‌های گمرکی عواملی بودند که اقتصاد وابسته‌ی جوامع توسعه‌نیافته را با مشکلات جدی مواجه و

۱. برای مطالعه بیشتر این افزایش شاخص، نک: ال. اس. استاوریانوس، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی تاریخی - تطبیقی جهان سوم، ج ۲، ترجمه رضا فاضلی، اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ص ۱۵۳.

۲. چارلز عیسوی، (۱۳۶۸)، تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: پایروس، ص ۱۹۶.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۰۱۵۵: صص ۱۳-۳؛ این سند حاوی گزارش مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۰۹ اداره مالیه اصفهان به وزارت مالیه درباره اوضاع بد اقتصادی و کساد بازار فروش محصولات کشاورزی آن منطقه در نتیجه بحران است.

۴. روزنامه اطلاعات، س ۵، ش ۱۱۴۴، ۲شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱.

صدور محصولات تولیدی این جوامع را به کشورهای سرمایه‌داری صنعتی دچار مشکل کرد. ایران نیز، به عنوان یکی از کشورهای پیرامونی از این قاعده مستثنی نبود. نمونه‌ای از این مشکلات را می‌توان در گزارش مجله تجارت در اسفند ۱۳۱۰ مشاهده کرد. «وضعیت صادرات ما در خارجه بدتر از مشروحو است که در جلد قبل تقدیم مشترکین نموده‌ایم. زیرا مشکلاتی که اخیراً برای قالی ایران مخصوصاً در انگلستان و آلمان و تعرفه‌های سنگین و اشکالات عدیده اقتصادی و تجارتي دیگر که در انگلستان، فرانسه، آلمان و لهستان روی داده به مراتب وضعیت ما را بدتر و خرابتر نموده است»^۱. این گزارش نشان می‌دهد که فروش صنایع دستی ایران بخصوص قالی در اروپا با مشکلات تجاری و با افزایش تعرفه گمرکی مواجه گردیده است. به همین علت، میزان صدور قالی از ۱۳۰۳۸۶۳۳۱ میلیون ریال در سال ۱۳۰۷ به ۵۵۰۵۵۷۷۶ میلیون ریال در سال ۱۳۱۰ کاهش یافت.^۲

کاهش قابل ملاحظه‌ی تولید قالی در طی دوره زمانی بسیار کوتاه آثار منفی قابل تاملی بر اقتصاد ایران، به ویژه مناطق تولید قالی و صنایع وابسته‌ی آن به همراه داشت. روزنامه‌ی اطلاعات، پیامد کاهش قیمت قالی بر اوضاع اقتصادی کرمان را این‌گونه گزارش می‌دهد: «امروز از کرمان مراسله‌ای داشتیم که شرح تاسف‌آوری از اقتصاد آنجا نوشته و ضمناً اشاره کرده بود اوضاع کارخانجات قالی‌بافی کرمان که رواج خوبی داشت، این روزها بحال بدی افتاده و بواسطه مصرف نشدن محصول [تولید شده]، یک قسمت از دستگاه‌ها تعطیل و کارگران قالی‌باف بیکار می‌شوند. این خرابی و بحران اقتصادی نه فقط در کرمان و بواسطه مصرف نداشتن قالی است، بلکه در تمام شهرهای ایران حکمفرما و محصول مواد دیگری که جزو صادرات مملکتی بوده نیز تنزل فاحشی نموده و خریدار آن کم شده است»^۳. روند کاهش قیمت قالی که تا سال ۱۳۱۱ ادامه پیدا کرد، به اندازه‌ای بود که همین روزنامه در سرمقاله ۲۴ آذر ۱۳۱۰ خود پیشنهاد کرد، برای جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت قالی از تولید آن کاسته شود.^۴ طبیعی است، خرید قالی به عنوان یک کالای تجملی و غیر ضروری

۱. مجله اطاق تجارت، دوره سوم، ش ۲۹، اسفند ۱۳۱۰، ص ۲.

۲. همان، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۱.

۳. روزنامه اطلاعات، س ۵، ش ۱۱۴۴، ۲ شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱.

۴. همان، س ۶، ش ۱۴۹۲، ۳ شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰، ص ۱.

بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ پیامدها و واکنش‌ها در ایران ۵۳

در شرایط اقتصادی رکود و تورم، به شدت کاهش می‌یابد. این مساله، در بازه زمانی کوتاه مدت، اثرات نامطلوب مضاعفی را بر اقتصاد کشور صادرکننده تحمیل خواهد کرد. از این‌رو، گرایش به جایگزینی آن با محصولات تولیدی مورد نیاز نظام جهانی بیشتر احساس خواهد شد.

علاوه بر قالی، صادرات محصولات کشاورزی نیز که اصلی‌ترین منبع درآمد کشور محسوب می‌شد، در اثر بحران، کاهش و در نتیجه‌ی آن، درآمدهای دولت از محل صادرات این محصولات کاسته شد. در حالی که درآمدهای حاصله بواسطه رونق خرید آن در بازار جهانی تا سال ۱۳۰۷ افزایش یافته بود؛^۱ در سال‌های بعد (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱) که سال‌های اوج بحران بود، این درآمدها کاهش، و در جدول زیر مقایسه شده است.

جدول^۲ شماره (۱)

محصول	سال ۱۳۰۷	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۹
برگ تنباکو	۲۱۱۵۳۸۴	۲۲۹۰۵۶۹	۲۱۰۰۹۷۴
برنج	۲۹۳۶۰۰۵۸	۳۳۱۵۷۵۲۸	۳۲۰۱۱۸۵۰
پنبه	۵۲۶۸۰۱۲۰	۳۸۹۵۲۱۱۸	۳۱۲۵۲۸۲۵
تریاک	۶۵۰۴۰۷۳۸	۷۰۲۱۳۴۲۴	۴۹۱۳۰۲۹۷
خشکبار	۳۹۲۰۰۰۰۰	۳۳۹۹۰۰۰۰	* ۴۹۱۴۰۰۰۰
صمغ‌ها	۲۵۲۷۹۴۹	۳۲۵۰۴۸۲	۲۴۹۹۸۲۵
کتیرا	۱۵۸۵۱۹۲۵	۱۷۹۸۳۰۰۰	۱۶۱۷۶۹۸۹
کنف خام	۱۳۵۰۰۷۲	۷۷۲۰۶۵	* ۲۰۲۵ ۲۷۸
جمع کل	۲۰۸۱۲۶۲۴۶	۲۰۰۶۰۹۱۸۶	۱۸۴۳۳۸۰۳۸

۱. این رونق، ناشی از رونق اقتصادی اروپا بواسطه اجرای طرح‌های اقتصادی داووز و یانگ از سوی آمریکا در آلمان طی سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ بود.

۲. این جدول منتخبی از ارقام مهم کالاهای صادراتی کشاورزی ایران است، و ارقام موجود نشان‌دهنده میزان صادرات بر اساس قیمت و بر مبنای ریال است؛ مجله اطاق تجارت، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، صص ۱۸-۲۶. آمار خشکبار برگرفته از: همان، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷، ص ۶.

بررسی ارقام فوق نشان می‌دهد که میزان صادرات ایران در سال ۱۳۰۹ به‌رغم افزایش در برخی از کالاها که با علامت * مشخص شده، در سایر موارد دچار کاهش گردیده است. کل درآمد ایران از محل صادرات کالاهای فوق در سال ۱۳۰۷ شمسی ۲۰۸۱۲۶۲۴۶ ریال است. همچنان‌که جدول مذکور نشان می‌دهد، صادرات سال ۱۳۰۸ - آغاز تأثیرپذیری ایران از بحران جهانی - فاصله اندکی با سال پیش از آن دارد، اما در سال ۱۳۰۹ با کاهش قابل تاملی خود را نشان می‌دهد. درآمد ایران از محل فروش این محصولات نسبت به سال ۱۳۰۷، که سال پایه در این جدول است، ۴٪ در سال ۱۳۰۸ و ۳۴٪ در سال ۱۳۰۹ کاهش یافته است. این کاهش درآمد، تنها به اقلام مهم صادراتی محدود نمی‌شود، بلکه صادرات اقلام دیگر کشاورزی، نظیر: سقز، حنا، علوفه، غلات سبز و... هم با کاهش مواجه شده است.^۱ در پی چنین وضعی میزان کل صادرات ایران در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ با کاهش ملموسی در مقایسه با سال ۱۳۰۷ مواجه گردید، که می‌توان آن را در جدول شماره ۲ که برگرفته از احصائیه اداره کل تجارت در خصوص میزان کل صادرات ایران است مشاهده کرد.

جدول ۲ شماره (۲)

سال ۱۳۰۹	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۷
۴۴۹۶۴۲۵۳۴	۴۷۳۸۵۳۷۵۸	۴۸۲۵۵۲۷۲۷

کاهش درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه کشاورزی تنها به سال ۱۳۰۹ محدود نشده است. روند کاهش درآمد حاصل از فروش این مواد اگر چه در سال ۱۳۱۰ در پی اجرای قانون انحصار دولتی تجارت خارجی متوقف شد، اما در سال بعد سیر نزولی خود را بخصوص در مقایسه با سال ۱۳۱۰ ادامه داد. جدول شماره ۳ نشان دهنده‌ی میزان کاهش درآمدهای حاصل از صدور محصولات کشاورزی در سال ۱۳۱۱ در مقایسه با سال ۱۳۱۰ است.

۱. مجله اطاق تجارت، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، صص ۲۶-۱۸.
 ۲. آمار زیر بر اساس قیمت و بر اساس ریال است؛ همان، ص ۲۶.

جدول ۲ شماره (۳)

نوع کالا	سال ۱۳۱۰	سال ۱۳۱۱
برگ تنباکو	۱۱۸۰۵۹۱	۸۴۱۶۴۵۹
برنج	۲۶۷۷۲۵۳۹	۱۵۵۹۱۰۲۷
پنبه	۸۳۱۶۶۶۵۱	۴۵۲۳۷۴۰۷
تریاک	۲۱۸۰۶۰۵۸	۳۳۰۸۸۴۹۸
خشکبار	۱۱۳۸۳۰۰۰۰	۵۰۵۱۰۰۰۰
صمغ‌ها	۱۶۲۶۷۲۶	۷۳۰۰۱۸
کتیرا	۳۴۹۹۷۶۴۲	۱۴۵۸۱۶۴۱
کنف خام	۱۷۳۸۴۱	۹۸۰۰۶۷
جمع کل	۲۸۳۵۵۴۰۴۸	۱۷۷۲۳۵۱۱۷

بحران اقتصاد جهانی مشکلات اقتصادی دیگری نیز به همراه داشت. کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته شده، بخصوص کالاهای مصرفی از جمله آنهاست.

۲. کاهش قدرت خرید و واردات کالاهای مصرفی

از آنجا که ایران بخش اعظم کالاهای مصرفی خود را از کشورهای صنعتی و از طریق درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه بدست می‌آورد؛ کاهش درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه تاثیر زیادی در کاهش قدرت خرید کالاهای مصرفی از خود بر جای گذاشت. این کاهش را می‌توان در احصائیه اداره کل تجارت ایران در جدول شماره ۴ مشاهده کرد.

۱. افزایش میزان صادرات در سال ۱۳۱۰ از دو عامل؛ افزایش مداخله و نظارت دولت در صادرات کالا به خارج از کشور پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اسفند ۱۳۰۹ و همچنین افزایش میزان وزنی صادرات در مقایسه با سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ ناشی می‌شد. برای نمونه صادرات خشکبار از ۴۳۲۰ تن در سال ۱۳۰۹، به ۱۱۵۹۹۹ تن در سال ۱۳۱۰ افزایش یافت. این در حالی است که به لحاظ وزنی صادرات خشکبار در سال ۱۳۱۱ به ۲۸۷۴۰ تن کاهش یافت؛ همان، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷، ص ۳.

۲. ارقام موجود نشان‌دهنده میزان صادرات بر اساس قیمت و بر مبنای ریال است. آمارهای سال ۱۳۱۰ مستخرج از مجله اطاق تجارت؛ همان، صص ۲۶-۱۸؛ آمارهای سال ۱۳۱۱ مستخرج از سالنامه پارس است؛ سالنامه پارس، سال ۱۳۱۳، صص ۱۲۹-۱۲۸؛ آمار مربوط به خشکبار در هر دو سال مستخرج از مجله اطاق تجارت است؛ اطاق تجارت، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۳۱۷، ص ۳.

جدول شماره (۴)

نوع کالا	سال ۱۳۰۷	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۹	سال ۱۳۱۰
پارچه‌های پنبه‌ای	۱۰۶۸۶۹۰۵	۹۱۷۰۷۸۷	۸۲۲۰۸۱۵	۳۵۷۵۶۲۱
پارچه‌های پشمی	۱۷۲۰۴۸۸	۱۹۸۰۳۴۹۷	۱۱۷۷۵۸۴۸	۹۴۲۳۰۷۱
چای	۶۸۴۵۵۷۴۵	۶۹۹۵۳۶۵۹	۶۵۵۹۲۹۳۹	۴۱۸۶۰۱۹۶
شکر	۱۹۰۳۲۳۹۹	۲۴۷۸۶۵۴۶	۲۹۹۴۶۴۸۳	۱۳۲۶۴۰۲۹
قند	۷۸۰۳۹۳۲۵	۹۰۷۹۲۱۶۸	۷۴۹۷۰۶۴۷	۵۵۵۳۳۷۲۹
کبریت	۲۷۶۴۵۱۸	۴۳۵۳۸۷۸	۳۰۹۰۹۴۴	۷۳۴۷۵۳

جدول فوق منتخبی از اقلام مهم کالاهای مصرفی وارداتی ایران در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ است.^۱

کاهش واردات ایران تنها محدود به این کالاها نبود بلکه بحران، زمینه‌ساز کاهش واردات سایر کالاها نیز شد. کاهش کل واردات بر اساس احصائیه واردات کشور در سال‌های اولیه بحران در جدول شماره ۵ به این شرح است:

جدول شماره (۵)

ارقام ذیل مستخرج از احصائیه واردات گمرک ایران از مجله اطاق تجارت است.^۲

سال	۱۳۰۷	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰
میزان کل واردات	۸۱۹۸۶۵۴۵۵	۹۱۹۸۵۳۶۸۵	۸۱۰۵۲۸۷۴۲	۶۰۸۹۶۲۳۱۹

کاهش قدرت خرید کالاهای مصرفی در شرایط بحرانی و در وضعیتی که حکومت با کاهش درآمد مواجه است، برای اقتصاد کشور از نظر برخی سیاست‌ها نظیر صرفه‌جویی، به خصوص در ارز مفید واقع می‌شود، اما این سودمندی در ایران و با توجه به سیاست‌هایی که حکومت در کسب درآمد در پیش گرفته بود صدق نمی‌کرد، زیرا یکی از منابع قابل توجه کسب درآمد حکومت در این دوره، عواید گمرکی حاصل از واردات کالاهای مصرفی بود. به عنوان نمونه هزینه ساخت راه‌آهن سراسری کشور، با عواید

۱. مجله اطاق تجارت، س ۴، ش ۵۳، اول دی ماه ۱۳۱۱، صص ۲۹-۲۵؛ ارقام موجود، بیانگر میزان واردات بر اساس قیمت و بر پایه ریال است.

۲. همان، ص ۲۹.

گمرکی حاصل از واردات قند، شکر و چای تأمین می‌شد. از این رو، ورود کالاهای مصرفی به کشور همچنان به قوت خود باقی ماند، و اقتصاد ایران نتوانست از سودمندی شرایط بحرانی و صرفه جویی در ارز در این مقطع بهره‌برد. در مجموع خزانه‌ی کشور، با مشکلات متعددی مواجه شد که نتیجه‌ی همه آنها کاهش درآمد بود. در حالی که حکومت پهلوی برای تکمیل پروژه‌ی تمرکز سیاسی خود، نیاز به افزایش درآمد و تحصیل منابع مالی جدید داشت. به همین دلیل لازم بود تا به مشکلات ناشی از بحران واکنش نشان داده و در سیاست‌های اقتصادی کشور دخالت، و آن را تحت نظارت و کنترل خود درآورد، تصمیمی که از اواخر سال ۱۳۰۸ در صدد اجرای آن برآمدند.

پ - واکنش به پیامدهای بحران در ایران

۱- فراهم کردن نهادهای اجرائی و ابزارهای حقوقی جدید جهت نظارت و کنترل اقتصاد کشور

مداخله‌ی حکومت در امور اقتصادی نیازمند تاسیس نهادهای جدید و فراهم کردن زمینه‌های حقوقی بود. نخستین گام برای تأسیس نهادهای جدید توسط دولت، در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸، با تصویب قانون اجازه تاسیس وزارت اقتصاد ملی و وزارت راه به جای وزارت فوائد عامه برداشته شد. در ماده سوم این قانون که به شرح وظایف وزارت اقتصاد ملی اختصاص داشت آمده بود: «وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولد ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل شیلات و معادن و جنگل‌ها، ترویج فلاحت... و فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت از نقطه نظر توسعه صادرات مملکت و تشویق به عمل آوردن امتعه که ممکن است در مملکت برای رفع حوائج داخلی تهیه شود و اصلاح مواد صادراتی مملکت به طوری که مطلوب بازارهای خارجه باشد»^۱. تشکیل این وزارت‌خانه اگر چه می‌توانست به نظارت حکومت بر اقتصاد بینجامد، اما به دلیل وجود نواقص سازمانی از کارائی لازم برخوردار نبود. لذا ضرورت تجدید سازمان در آن احساس می‌شد. به همین منظور مجلس در ۱۶ خرداد ۱۳۱۰، قانونی راجع به تقسیمات وزارت اقتصاد ملی تصویب کرد. بر اساس این قانون، وزارت اقتصاد ملی به سه اداره کل: تجارت، فلاحت و صناعت، تقسیم، و مقرر گردید ادارات مزبور تحت نظارت عالی‌هی ریاست وزراء و هر یک از آنها به وسیله رئیس

۱. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، ص ۴۱۶.

مستقلی اداره شوند که با سمت معاونت وزارتخانه حق شرکت در جلسات مجلس شورای ملی و هیأت وزراء را داشته باشند.^۱ بدین ترتیب حکومت به سهم خود توانست برای نظارت بر اقتصاد کشور، وزارت اقتصاد ملی را با تشکیلات و تقسیم‌بندی به نسبت مناسب با شرایط و نیاز زمان تشکیل دهد.

پس از این اقدام، گام بعدی حکومت برای نظارت بر اقتصاد کشور، فراهم آوردن زمینه‌های حقوقی بود. تحقق این امر به سازوکار قانونی از طریق مصوبات مجلس نیازمند بود. بر اساس چنین نیازهایی رضاشاه در نطق افتتاحیه مجلس هشتم عنوان کرد: «ما آرزومندیم این مجلس در تاریخ به عنوان مجلس اقتصاد شناخته شود.»^۲ در واقع هدف رضاشاه از این درخواست، تشویق نمایندگان مجلس به همکاری بیشتر با دولت، برای فراهم کردن امکان نظارت گسترده‌تر حکومت، بر اقتصاد کشور بود. در راستای همین تمایل بود که مجلس هشتم، قانون انحصار تجارت خارجی را به تصویب رساند تا نظارت حکومت را بر اقتصاد به بالاترین حد خود تا آن زمان برساند. تقریباً از اوایل زمستان سال ۱۳۰۹ روشن شده بود که محور اصلی درخواست دولت و در واقع وزارت دربار از مجلس شورای ملی، تصویب قانون انحصار تجارت خارجی کشور به عنوان یکی از منابع مهم ورود و خروج ارز از کشور است. به دلیل همین ویژگی، کارشناسان امور اقتصادی، نظارت و حتی تصدی‌گری دولت بر صادرات و واردات را به عنوان راه حلی موثر برای جلوگیری از مشکلات اقتصادی بخصوص کاهش ارزش پول پیشنهاد می‌کردند. با توجه به این شرایط، دولت لایحه تصویب این قانون را در ۲۴ بهمن ۱۳۰۹ به مجلس تقدیم کرد.

هنگام تقدیم این لایحه به مجلس، سمیعی کفیل وزارت اقتصاد ملی ضمن تقاضای دو فوریت برای تصویب این لایحه عنوان کرد: «از جمله مسائلی که لازمه انتظام امور اقتصادی مملکت است و در ضمن پروگرام دولت اساس آن را مورد تصویب فرموده‌اند تعدیل صادرات و واردات می‌باشد. انجام چنین امری هم، وقتی ممکن است که تجارت خارجی در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر نمودن و تعیین میزان واردات و صادرات مخصوص دولت گردد.»^۳ در لایحه‌ی ارائه شده از سوی دولت هم آمده بود: «از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن

۱. همان، صص ۵۴۴-۵۴۳.

۲. فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵، ترجمه ابوالقاسم

سری، تهران: توس، ص ۳۴.

۳. اطلاعات، س ۵، ش ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹، ص ۱.

کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی و یا دائمی میزان صادرات و واردات به دولت واگذار می‌شود و دولت می‌تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال‌التجاره خارجی به ایران جلوگیری کند.^۱

قانون انحصار تجارت خارجی اگر چه در ۶ اسفند ۱۳۰۹ در مجلس به تصویب رسید؛ اما نواقصی داشت که قرار شد طی متممی بر قانون انحصار تجارت برطرف شود. این متمم در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ به تصویب مجلس رسید. از مهم‌ترین مواد متمم که به نظارت و کنترل کامل حکومت بر تجارت خارجی منجر شد، ماده دوم آن بود که بر اساس آن: «وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه به ایران مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی و یا صنعتی ایران است در حدود قیمت صادرات مذکوره اعم از اینکه خود وارد کننده، صادر کننده باشد و یا به توسط دیگری صادر شده باشد. صدور اجناسی که بطور انحصار صادر می‌شود به خود صادرکننده بیش از صدی بیست اجازه ورود نمی‌دهد.»^۲ به این ترتیب حکومت با تاکید بر تصویب قانون انحصار تجارت خارجی، مبادی حقوقی نظارت و کنترل خود را بر اقتصاد کشور تحکیم بخشید. در سایه‌ی چنین اقدامی، دولت بر یک سوم واردات و نیمی از صادرات در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۱۰ / ۱۹۳۰ کنترل مستقیم و یا غیر مستقیم پیدا کرد.^۳ این اقدام‌ها جهت نظارت و کنترل بر اقتصاد کشور به منظور رهایی از پیامدهای بحران و تلاش غیر مستقیم در جهت کسب درآمد بیشتر بود. علاوه بر راه‌های فوق، حکومت به روش‌های مستقیم در جهت افزایش درآمدهای خود اقدام کرد. مهم‌ترین آنها عبارت است از تلاش برای افزایش کمی و بهبود کیفی صادراتی مواد اولیه و صنعتی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هـ. ش، ج ۱، ص ۴۷۶.

۲. منوچهر ضیائی، (۱۳۷۱)، مجموعه مصوبات دولت در زمینه مسائل پولی و بانکی و سایر مصوبات مربوط به ارز سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۷۰، ج ۱، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ص ۴۲.

۳. جان فوران، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ص ۳۳۶.

۲- افزایش کمی و بهبود کیفی صادرات مواد اولیه

حکومت پهلوی اول علاوه بر تلاش برای نظارت و کنترل بر اقتصاد کشور از طریق ایجاد نهادهای اجرائی و ابزارهای حقوقی جدید، درصدد برآمد تا با اقدامهای اقتصادی درآمزش را افزایش دهد. مهمترین اقدام، تلاش برای افزایش تولید و صدور مواد اولیه بود. در واقع این تلاش، واکنش مشترک کشورهای توسعه نیافته به بحران بود. در ایران، تلاش برای افزایش صدور مواد اولیه، به واسطه‌ی آن‌که بیشتر محصولات صادراتی را محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد، افزایش تولید و صدور این نوع از صادرات را در پی داشت، زیرا در مراحل نخست تصور بر این بود، تنها راه مبارزه با کاهش درآمدها، افزایش تولید و صدور این مواد است.

بر اساس چنین تصویری روزنامه‌ی اطلاعات در شماره‌ی ۱۲۵۵ خود نوشت: «عقایدی که تا به حال برای اصلاح اقتصادیات این مملکت شنیده شده تقریباً تماماً یک قسم بوده و اغلب معتقد بودند که باید کارخانه در این مملکت ایجاد نمود. در صورتی که مختصری مطالعه بخوبی ثابت می‌کند که هر اصلاحی که اساسی باشد باید در قسمت فلاح و ترتیب زراعت که اساس زندگی فردی این مملکت را تشکیل می‌دهد باید شروع گردد... با در نظر گرفتن این اصل و رعایت استعداد طبیعی ایران تردیدی نخواهد بود که تهیه و صدور پنبه یا توتون یا خشکبار و ابریشم و غیره آسانتر و سریعتر انجام خواهد گرفت تا مثلاً تهیه پارچه یا کفش و امتعه دیگری که فعلاً از خارجه وارد می‌شود.»^۱ برای دستیابی به چنین خواسته‌ای لازم بود تا حکومت، اقدامی در جهت افزایش تولید محصولات کشاورزی صورت دهد. مهمترین اقدام در این راستا تاسیس بانک فلاحی بود. قانون تاسیس بانک فلاحی در ۹ شهریور ۱۳۰۹ به تصویب رسید. ماده چهارم این قانون بیان‌گر سیاست‌های دولت برای توسعه کشاورزی از طریق ایجاد این بانک و شرایط پرداخت قرضه توسط آن، بود. این شرایط عبارتند از: ۱- دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده و یا به دست آوردن آب تازه. ۲- توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای، پنبه، نیل، حنا، روناس، ابریشم، نیشکر، کنف، توتون، تنباکو، پسته، بادام، و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آن را لازم بداند.^۲

۱. روزنامه اطلاعات، س ۵، ش ۱۲۵۵، ۴ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۰۹، ص ۱.

۲. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، صص ۴۵۵-۴۵۴.

محصولاتی که در ماده چهارم قانون تشکیل بانک فلاحی به آن اشاره شده از اقلام پر درآمد صادرات ایران بود که کسب درآمد بیشتر از طریق توسعه و تولید بیشتر آن با اعطای وام‌های بانک فلاحی مورد توجه دولت قرار گرفت. این تصمیم را حکومت در نخستین سال شروع بحران در ایران، در خصوص افزایش صدور تمامی محصولات کشاورزی قابل صدور، اتخاذ کرده بود. نگاهی مقایسه‌ای به احصائیه تجارتي ایران در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ نشان می‌دهد که به‌رغم کاهش درآمدهای حاصل از صادرات، بخصوص صادرات مواد اولیه، نوع و حجم کالاهای صادراتی ایران افزایش یافته است. در زمینه‌ی افزایش نوع کالاهای صادراتی، احصائیه تجارتي ایران نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۰۹ که بحران به طور کامل کشور را فرا گرفت، برخی از کالاها مانند نشاسته، چوب، شمشاد، انواع چوب، خاک اره، کره، جو دوسر، بلغور، روغن زیتون، بهدانه، صمغ عربی و شکر زرد کالاهایی بودند که جزو اقلام صادراتی ایران محسوب نمی‌شدند، اما از سال ۱۳۰۹ در فهرست احصائیه صادراتی ایران قرار گرفتند.^۱

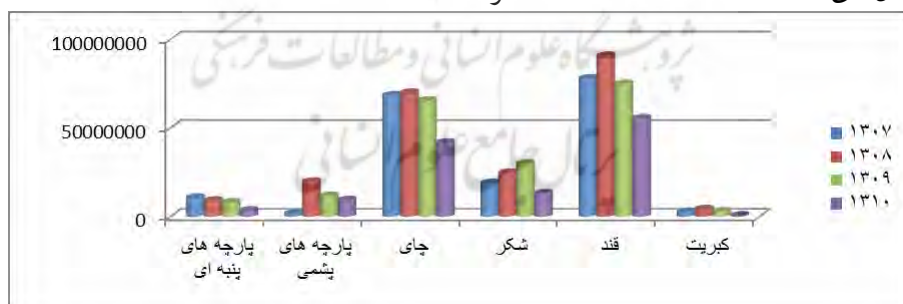
علاوه بر تنوع اقلام صادراتی، بحران موجب شد، بر میزان و حجم صادرات نیز افزوده شود تا بدین طریق کاهش درآمد به نوعی با افزایش تولید و صدور جبران شود. تحقق این امر در سال ۱۳۱۰، یک سال پس از تصویب و اجرای قانون تجارت خارجی، از احصائیه تجارتي ایران مشهود است، به گونه‌ای که میزان صدور پنبه از ۱۰۴۷۰ تن در سال ۱۳۰۹ به ۳۱۲۵۹ تن در سال ۱۳۱۰، میزان صدور خشکبار از ۴۳۰۲۰ تن در سال ۱۳۰۹، به ۱۱۵۹۹۹ تن در سال ۱۳۱۰ و میزان صدور کتیرا از ۱۹۱۰ تن در سال ۱۳۰۹ به ۲۸۶۵ تن در سال ۱۳۱۰ افزایش یافت.^۲ علاوه بر افزایش کمی تولید، بهبود کیفی صادرات یکی دیگر از روش‌های حکومت برای افزایش درآمد بود که از اهداف مهم قانون انحصار تجارت، به شمار می‌آمد. به منظور رشد کیفی صادرات در ماده یازده قانون انحصار تجارت خارجی، دولت مکلف شده بود: «موجبات مرغوبیت هر یک از محصولات صدور مملکت را تهیه کرده، معین نماید که به چه طرز و ترتیبی باید تهیه شود. پس از انجام مقدمات مزبوره و اعلام آن دولت مجاز خواهد بود از صدور محصولاتی که مطابق نمونه و شرایط معینه نبود و بواسطه عدم مرغوبیت سکنه بر حسن شهرت مملکت وارد نماید، جلوگیری کند.»^۳

۱. مجله اطباق تجارت، س ۳، ش ۴۵، اول شهریور ۱۳۱۱، صص ۲۴-۲۱.

۲. همان، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷، صص ۶-۳.

۳. همان، س ۳، ش ۳۷-۳۶، ۱۵ فروردین و اول اردیبهشت ۱۳۱۱، ص ۱۰.

بدین ترتیب حکومت طی سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ در واکنش به پیامدهای منفی بحران اقتصادی در کشور، اقدام‌های متعددی انجام داد، اما نتیجه مطلوب از آن حاصل نشد، زیرا مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکل، یعنی کاهش درآمد با اتخاذ تدابیر مذکور برطرف نگردید. درآمدهای صادراتی دولت اگر چه در سال ۱۳۱۰ با رقم ۶۲۷۶۹۴۸۳۰ ریال نسبت به سال ۱۳۰۹ با رقم ۴۴۹۶۴۲۵۳۴ ریال رشد چشمگیری داشت،^۱ اما کاهش چشمگیر این درآمد در سال‌های بعد، ۵۲۲۰۴۱۰۰۰ ریال در سال ۱۳۱۱ و ۴۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۱۲،^۲ نشان داد که اقدام‌های متعدد برای افزایش درآمدهای حاصل از صادرات به نتیجه مطلوب نرسیده است. حتی درآمدهای حاصل از صادرات در سال ۱۳۱۲ به‌رغم همه این تدابیر به پائین‌تر از میزان صادرات سال ۱۳۰۸ با رقم ۴۷۳۸۵۳۷۵۸ ریال رسید.^۳ بدین ترتیب تدابیر اتخاذ شده و اجرای برخی سیاست‌ها از جمله قانون انحصار تجارت خارجی نه تنها مشکل کاهش درآمد را حل نکرد، بلکه برخی مشکلات را نیز اضافه کرد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در نتیجه‌ی اجرای این سیاست ایجاد شد، کاهش امکان واردات کالاهای مصرفی بود. کاهش واردات کالاهای مصرفی که در پی کاهش درآمد ناشی از بحران آغاز شده بود با اجرای قانون انحصار تجارت خارجی تشدید شد، زیرا مشروط کردن واردات هر نوع محصول طبیعی و یا صنعتی به صادر کردن محصول طبیعی یا صنعتی ایران به میزان قیمت صادرات، بر اساس قانون انحصار تجارت خارجی موجب کاهش واردات بخصوص واردات کالاهای مصرفی می‌شد. این کاهش را می‌توان در نمودار زیر که نشان‌دهنده میزان واردات ارقام بزرگ کالاهای مصرفی ایران طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ است مشاهده کرد.^۴



۱. همان، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۶.
۲. همان، س ۸، ش ۱۷۳، اول بهمن ۱۳۱۶، ص ۸.
۳. همان، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۶.
۴. همان، س ۴، ش ۵۳، اول دی ۱۳۱۱، ص ۲۶.

در چنین شرایطی لازم بود تا برای حل این مشکل اقدامی صورت گیرد. این اقدام از آن جهت ضروری بود که بخشی از درآمدهای حکومت از طریق انحصار واردات و کسب عواید گمرکی از واردات این کالاها، به دست می‌آمد. به عنوان نمونه بر اساس قانون مصوب ۹ خرداد ۱۳۰۴ دولت علاوه بر انحصار واردات و خرید و فروش قند، شکر و چای، از هر من قند و شکر ۲ قران و از هر من چای ۶ قران، عوارض گمرکی نیز اخذ می‌کرد.^۱ از این رو، حکومت ناچار بود برای مشکل کاهش واردات کالاهای مصرفی و هم‌چنین کاهش درآمد گمرکی و انحصاری حاصل از واردات این کالاها اقدامی انجام دهد. بر این اساس بود که ضرورت صنعتی‌سازی با هدف رفع مشکلات ناشی از کاهش واردات کالاهای مصرفی به وجود آمد و دولت تصمیم به اجرای سیاست صنعتی‌سازی گرفت.^۲

۳- گرایش به سیاست صنعتی‌سازی

با اتخاذ چنین تصمیمی، ایران ناخواسته استراتژی «صنعتی‌سازی جایگزین واردات» را به اجرا درآورد. هدف از اجرای این استراتژی تولید کالاهای مصرفی بخصوص ارقام پرمصرف آن مانند قند، شکر، چای، کبریت و انواع پارچه بود. اجرای این استراتژی با رویکرد مذکور، مورد تاکید شخص رضاشاه بود. وی در فروردین ۱۳۰۹ در خصوص ضرورت تولید کالاهای مصرفی به ویژه پارچه در داخل کشور عنوان کرد: «تا آنجا که به کارخانه پارچه‌بافی مربوط است من می‌دانم که ما باید در داخل کشور خودمان پارچه فراهم کنیم و از واردات بپرهیزیم»^۳ علاوه بر این وی در ۳۱ خرداد ۱۳۱۰ هنگام دیدار با نمایندگان مجلس شورای ملی در کاخ سعدآباد در خصوص لزوم تأسیس کارخانجات صنعتی و تأمین احتیاجات مملکتی در داخل، به آنان اعلام کرد: «لازم است تا مردم، سرمایه‌داران و تجار به تأسیس کارخانجات صنعتی تشویق شوند و رفته رفته صنایع داخلی مملکت توسعه و ترقی داده شده، احتیاجات داخلی حتی الامکان توسط خودمان تأمین شود.»^۴ همچنین دو سال بعد رضاشاه با همین رویکرد در مراسم افتتاحیه مجلس نهم

۱. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ شمسی، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. برای مطالعه بیشتر نک: محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۲)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز؛ حسین عظیمی آرانی، (۱۳۸۹)، *مدارهای توسعه نیافتگی ایران*، تهران: نی.

۳. *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵*، ص ۵۵.

۴. *روزنامه اطلاعات*، ۶ ش، ۱۳۴۸، سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۱۰، ص ۲.

به نمایندگان اعلام کرد: «آرزوی ما این است که احتیاجات مملکتی حتی الامکان در داخله مملکت و توسط خود اهالی تهیه شود.»^۱ بدین ترتیب با توجه به شرایط به وجود آمده و اراده حکومت، سیاست «صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات» به اجرا درآمد. در پی اجرای این سیاست بود که از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ سیزده کارخانه از جمله ۶ کارخانه قند، ۲ کارخانه چای، ۱ کارخانه سیمان، ۱ کارخانه گونی‌بافی، ۱ کارخانه اشباع تراورس، ۱ کارخانه گوردن‌سازی و ۱ کارخانه حریربافی با سرمایه‌گذاری مستقیم دولت تأسیس شد.^۲ این درحالی بود که بررسی آمار صنایع ایران نشان می‌دهد که تا پیش از این تاریخ، حکومت پهلوی در هیچ یک از پروژه‌های تأسیس صنایع و کارخانه‌ها بین سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ مشارکت و سرمایه‌گذاری نداشته است.^۳



۱. همان، س ۷، ش ۱۸۶۴، سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۲، ص ۱.
۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۷۶.
۳. همان، سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۶۵؛ این سند حاوی گزارش و آمار دکتر اسکوفیلد کارمند شرکت نفت ایران و انگلیس پس از بازدید از مراکز صنعتی ایران در شهریور ۱۳۱۵ به سفارش دولت ایران است. هم‌چنین نک: سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۱۹۱۸۲. محل در آرشیو ۱۲۰۱ ب ۱ آ ۱، ص ۵۶؛ این سند دربردارنده آمار کارخانه‌های ایران تا سال ۱۳۱۶ است که توسط یک دانشجوی ایرانی که در مقطع دکترا در بلژیک تحصیل می‌کرد تهیه شد.

نتیجه

توسعه‌نیافتگی و وابستگی ایران به جوامع سرمایه‌داری صنعتی از طریق بازار جهانی نظام سرمایه‌داری، موجب شد تا ایران نیز همچون سایر جوامع توسعه نیافته، از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ که از آمریکا شروع شد، تاثیر پذیرد. در چنین شرایطی با توجه به پیامدهای مشابه، واکنش‌های مشابه نیز صورت گرفت. نخستین و مهم‌ترین پیامد بحران در ایران کاهش درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه بود. این کاهش درآمد، همراه خود مشکل کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته شده مصرفی و واردات آن به کشور را به همراه آورد. این در حالی بود که واردات انحصاری برخی از این کالاها توسط دولت و عرضه آن در بازارهای داخلی یکی از منابع کسب درآمد حکومت بود. لذا کاهش واردات این کالاها موجب کاهش درآمد حکومت می‌شد. تلاش برای افزایش کمی و کیفی صادرات مواد اولیه به بازار جهانی با هدف کسب درآمد جایگزین، از واکنش‌هایی بود که به دلیل کساد بازار مواد اولیه و کاهش بیش از حد قیمت این مواد در بازار جهانی نتیجه مطلوب به بار نیاورد. به همین دلیل حکومت پهلوی اول، همانند بسیاری از جوامع توسعه‌نیافته در آمریکای لاتین و خاورمیانه، تلاش کرد سیاست «صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزینی واردات» به منظور تهیه کالاهای ساخته شده مصرفی در کشور را به اجرا درآورد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- استاوریانوس، ال. اس. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی تاریخی - تطبیقی جهان سوم*، ترجمه رضا فاضلی، ج ۲، اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- برابیس، مورای دی. (۱۳۵۴)، *توسعه صنعتی*، ترجمه غلامرضا کیانیپور، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بروک، پل. (۱۳۵۵)، *جهان سوم در بن بست*، ترجمه امیرحسین جهاننگلو، تهران: خوارزمی.
- پالمر، رابرت روزل، (۱۳۸۴)، *تاریخ جهان نو*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.
- تایتون، فرانک و رابرت آلدریچ، (۱۳۷۵)، *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا*، ج ۱، ترجمه کریم پیرحیاتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ضیائی، منوچهر، (۱۳۷۱)، *مجموعه مصوبات دولت در زمینه مسائلی پولی و بانکی و سایر مصوبات مربوط از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۷۰*، ج ۱، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- عظیمی آرانی، حسین، (۱۳۸۹)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نی.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۸)، *تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: پایپروس.
- فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- فیندلی، کارتر و جان م. رائتی، (۱۳۷۹)، *جهان در قرن بیستم*، ترجمه بهرام معلمی، تهران: ققنوس.
- فوران، جان، (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قوه قضائیه روزنامه رسمی کشور، (۱۳۸۸)، *مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی*، ج ۱ و ۲، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- لارسون، توماس و دیوید اسکیدمور، (۱۳۸۳)، *اقتصاد سیاسی بین‌المللی تلاش برای کسب قدرت و ثروت*، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: قومس.
- لیدز، سی. آ. (۱۳۶۳)، *تاریخ نیمه نخست قرن بیستم*، ترجمه همایون حنیفه‌وند. تهران: سرنا.
- ملاح، خسرو، (۱۳۴۹)، *تفسیری بر تئوری نوسان‌های اقتصادی*، تهران: زیبا.
- نصیری، محمد، (بی‌تا)، *تاریخچه سی سال بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷*، بی‌جا، بی‌نا.
- هابز باوم، اریک، (۱۳۸۲)، *عصر نهایت‌ها*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه.
- _____، (۱۳۸۷)، *صنعت و امپراطوری*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: ماهی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۸۱)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

نشریات:

- روزنامه اطلاعات، س ۵، ش ۱۱۴۴، شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹.
- _____، س ۵، ش ۱۲۵۵، ۴شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۰۹.
- _____، س ۵، ش ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹.
- _____، س ۶، ش ۱۳۴۸، سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۱۰.
- _____، س ۶، ش ۱۴۹۲، ۳شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰.
- _____، س ۷، ش ۱۸۶۴، سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۲.
- مجله اطاق تجارت، س ۳، ش ۳۶-۳۷، ۱۵ فروردین و اول اردیبهشت ۱۳۱۱.
- _____، س ۳، ش ۴۵، اول شهریور ۱۳۱۱.
- _____، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱.
- _____، س ۴، ش ۵۳، اول دی ماه ۱۳۱۱.
- _____، س ۸، ش ۱۷۳، اول بهمن ۱۳۱۶.
- _____، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷.
- _____، دوره سوم، ش ۲۹، اسفند ۱۳۱۰.
- سالنامه یارس، سال ۱۳۱۳ شمسی.

اسناد:

- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴ ۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۱۵۵ ۰۱۰۱۵۵، محل در آرشیو ۷۰۵ ض ۱ آ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۱۹۱۸۲ ۰۱۹۱۸۲، محل در آرشیو ۱۲۰۱ آ آ ۱.

منابع لاتین:

- Lee, C.H. "The Effect of the Depression on Primary Producing countries". *Journal of Contemporary History*. Vol 4. No 4. Oct 1969. P 139-155.
- Raupach, Hans. "The Impact of the Great Depression on The Easter Europe". *Journal of Contemporary History*. Vol. 4. No 4. Oct 1969. P. 75-86.